



جمهوری اسلامی و "بزرگان" گندیده نظام

در حاشیه دوقطبی اخیر احمدی نژاد و "لاریجانی ها"

ثریا شهابی

حکمتیست
۱۸۸

۴ دسامبر ۲۰۱۷ - ۱۳ آذر ۱۳۹۶

دوشنبه ها منتشر میشود

۱۶ آذر

باید ورق را برگرداند!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۶ آذر در راه است. این روز تاریخا، روزی است که جامعه به دانشگاه و نسل جوان چشم میدوزد تا صدای حق طلبی و عدالتخواهی مردم آزادیخواه را از نسل جوان در دانشگاههای سراسر کشور، بشنود. طبقه کارگر ایران، همراه با میلیونها زن و مرد، دختر و پسر، از مراکز کار تا صف میلیونی بیکاران، از محلات محروم و کارگری تا مراکز تحصیلی و... همه امیدوارند دانشگاه بار دیگر به میدان حق طلبی آنها، به سنگر انسان دوستی و اعلام برابری انسانها علیه حاکمین و استثمار کنندگان تبدیل شود. امیدوارند امسال با دخالت و همت نسل جوان کمونیست و آزادیخواه، ورق در دانشگاه به نفع انسانیت، تمدن و به نفع محرومان برگردد و دانشگاه از دست مجیز گویان حکومت، تشکلهای دست ساز آنها، مدافعان رنگارنگ حاکمیت و ارگانهای مختلف آنها، بیرون آید.

۱۶ آذر روزی است که نسل جویای تحصیل طبقه کارگر، نسل جوان آزادیخواه در دانشگاه، میتواند صدای اعتراض اکثریت محروم را، برساند! بار دیگر کانالی باشد که از آن جامعه، صدای اعتراض اکثریت جوانان برابری طلب و آزادیخواه را به سرپای حاکمیت و قوانین آن، به محرومیت، فقر، بیکاری، به بردگی مزدی، بردگی جنسی و به زندان و استبداد، بشنود! ... صفحه ۳

این امید که راه خروج از بن بستی بیابند! صفحات بسیار کمی از پرونده قطور دزدی ها و سودجویی های میلیاردری که دهه ها است جریان دارد! ثروتی که از سفره مردم، از دارو و مسکن و بهداشت و تغذیه دهها میلیون نفر، کودک و بزرگ و سالمند و بیمار و بی مسکن، طی چهار دهه دزدیده شده است، بار دیگر توسط شرکا قدرت، باز شده است. گوشه کوچکی از پرونده قتل ها و کشتارها و جنایات، باز دیگر توسط رقبا در قدرت، باز شده است. به این امید "ناچیز" که بلکه استفاده رقیب از "پرونده مسکن مهر" و "خشکاندن زاینده رود" و نابودی محیط زیست را این به گردن او و دیگری به گردن دیگری بیندازد! با هر گوشه کوچکی از پرونده فساد و دزدی و آدم کشی که این و یا آن "بزرگ نظام" رو میکند، با هر لات بازی و دهان دریدگی و تهدید و انگشت اتهامی که بسوی هم پرتاب و دراز میکنند، ...

"سیاستمداری" رایج بورژوازی، مقامات و روسای دولت ها و حکومت ها، معمولا تلاش میکنند که با بزرگ نمایی لیست وظایف شان و اقدامات معمول شان برای جامعه، شهروندان را ساکت نگاه دارند و توقعات شان را محدود کنند! در حاکمیت "کلنی انگل" های در قدرت در ایران، مسابقه چه کسی و چه نهادی کمتر یا بیشتر منشا فساد بوده و از پیکره جامعه تغذیه کرده و فربه شده است، براه است. "دزد"، "دروغ گو"، "آدم کش"، "جنایتکار"، "کارچاق کن"، "تن لش"، "جاسوس"، "فاسد"، "باج بگیر"، "برادران قاچاقچی"، "زمین خوار"، "لات"، "هرز"، "پررو"، "بی حیا"، "عربده کش"، "منحرف"، "فتنه گر"، "پست" و ... القاب شایسته و مدارج ترقی است که پله پله برگردن هم، و به گردن روسای جمهورها، روسای مجلس و قوه قضائیه و آیت الله ها و حجت السلام ها، اعضا مجمع تشخیص مصلحت نظام، می آویزند! به

بار دیگر احمدی نژاد کمپینی با محوریت "خانواده و برادران لاریجانی"، علیه بخش دیگری از "بزرگان نظام"، این بار علیه هم قطاران اش در "مجمع تشخیص مصلحت نظام"، متحدین درپرز خود در دستگاه قضایی و مجلس و سپاه و دفتر مقام رهبری، براه انداخته است. این جدالی در میان دو حزب پارلمانی، دو گرایش در یک حزب، یا میان دوجناح در حاکمیت یا میان کاندیدهای چشم طمع دوخته به یک پست و مقام، نیست. آنچه که در جریان است جدال میان اعضا "بلند پایه" نظام، در "پیکره نظام"، در "بالاترین" نهادها یعنی "مجمع تشخیص مصلحت نظام"، قوه مقننه و قضائیه و مجریه، سپاه و مسئولین زندان ها است! جریانی که، اگر "مهار" و "کنترل" نشود، در سراشیب امروز حاکمیت، سیلابی خواهد بود به سمت دفتر مقام معظم رهبری و شورای نگهبان! در دنیای "سیاست" و

آزادی
برابری
حکومت کارگری

جمهوری اسلامی و ...

مردم هزاران هزار مشت گره کرده و انزجارنامه مشترک و خشم فروخته بسوی همگی شان حواله می کنند. مرز کنترل و حسابرسی را بالا معلوم نمی کند! مرزهایی که فی الحال توسط مردم تماما از آنها عبور شده است.

با هر اخمی و نگاه غضب آلودی که بهم کرده اند، مردم صفحات و فصل ها و "مثنوی ها" بی از پرونده همگی شان، از هزینه های نظام در عراق و سوریه، تا ریخت و پاش ها و جنایات کهریزک، از کشتار های دهه شصت تا جنگ افروزی ها برای "فتح کربلا"، را بازگشایی کرده اند!

حکومت شوندگان در ایران، همه انواع "خوش خیم" و "عطر و ادکلن زده" چون خاتمی ها، "بدخیم" و "بدبو" و "پوپولیست" چون احمدی نژاد ها، رئیس عشیره "چپاولگران" چون رفسنجانی ها و "ریاکار" چون روحانی ها، با عمامه و بی عمامه و نظامی یا امنیتی، از خمینی تا خامنه ای، همگی شان را چهل سال است که تجربه کرده اند.

"نترسید، نترسید، شما همه با هم هستید!" شاید گویا ترین تابلویی است که این روز ها در دنیای مجازی،

مردم بر سر در دکان جناح بازی و گروه بندی هایشان آویخته اند! در مقابل "دون کیشوت" بازی های احمدی نژاد و تقلای پهلوان پنبه های "جبهه اصلاحات" برای کیسه دوختن و "مظلوم نمایی" از این شرایط، مردم مزد همگی شان را کف دستهایشان گذاشته اند. اعتدال و امید و اصلاحات و گشایش اقتصادی و گشایش سیاسی، امروز بیش از هر زمانی موضوع مزاح، جوک، تمسخر و تعرض به همه اعضا کلنی "انگل" های حاکم است.

جمهوری اسلامی ایران، مقامات و شخصیت هایش، اگر در عراق و سوریه، در "ژست" فرماندهان نظامی سپاه و احزاب ناسیونالیست کرد نوکر شان در منطقه، در میدان مسابقات نظامی در خاورمیانه، در چشم این و آن میدیا رسمی و برخی مقامات دولت های روسی، اروپایی یا آمریکایی، "نیرو" و متحد تاکتیکی مهمی باشند، در چشم جامعه ایران، یک "کلنی" از انگل هایی بیش نیستند که از درون درحال تجزیه است.

اسلام سیاسی و حاکمیت اش در ایران، اگر در نگاه این و آن وزارت خارجه نیروهای "غربی" یا "شرقی" که

خود در بحران های سیاسی و اقتصادی گرفتارند، اگر در منظر کسانی که پروژه باطلاق سازی هایشان در خاورمیانه شکست خورد ه است، و اگر از نظر گزارش این و آن مجله سیاسی - اقتصادی بین المللی بعنوان عنصر "تحمیل شده" و "پذیرفته شده" به "جهان متمدن" امروز معرفی شوند، در چشم شهروندان در ایران، اسلام و حاکمیت اش پارازیت های گندیده ای بیش نیستند! اگر در مسابقه جاسوسی و اطلاعاتی، استفاده از ابزار خفه کردن جوامع تحت حاکمیت، خود را در کنار رقبا در اسرائیل و عربستان و آمریکا هم قرار داده باشند، در نگاه طبقه کارگر میلیونی و بیش از سی میلیون خانواده ای که زیر خط فقر زندگی میکنند، در انتظار شهروندان در ایران، زانده ای بر پیکر جامعه و انگل هایی بیش نیستند.

اگر "جمهوری اسلامی ایران، برای این و آن شخصیت اپوزیسیون چپ یا راست ناسیونالیست، "آریایی پرست" یا "ضدامپریالیست"، یک "قدرت منطقه"، و به این خاطر برای آنها سرپناه "امیدی" باشد، در منظر جامعه سبد تخم مرغ گندیده ای بیش نیست!

سیدی از تخم مرغ گندیده، که دیگر تماما شکسته شده و رایجه مهوع شان تمام فضای ایران را پر کرده است.

جمهوری اسلامی که همه امال و آرمان های حاکمیت "عدل علی" و "فرايض دینی" اش متحقق شده است، "کربلا فتح" و نقشه فتح "حرم" در سوریه هم در دست اجرا است، از درون روی "میدان مینگذاری شده" مردمی و "روی بمب ساعتی" نشسته است.

مشکل اصلی حاکمیت در ایران، امروز نه مشکلات نقشه "فتح کربلا" و "آمریکای جهانخواار" و "دولت غاصب اسرائیل" که اکثریت هشتاد میلیون شهروندی است که پرونده چهل سال دزدی و فساد و آدم کشی هایشان را روی میز گذاشته اند. عرض اندام دون کیشوت وار و "پوپولیستی" احمدی نژاد و در مقابل اش تحركات "شوالیه های" توسری خوره و پاره پوره "جبهه اصلاحات"، از این رو است. بن بست داخلی و کور بودن افق خلاصی از آن، این بار همه شان را به جان هم انداخته است.

جنگ آنها، جنگ بازنده ها، جنگ بزرگان گندیده نظام، جنگ مردم و جنگ طبقه کارگر نیست. اما شرایطی

است که در دل آن، جمعیت دهها میلیونی طلبکار، مدعی، معترض، خشمگین، مدت ها است که با کلام و قلم و اعتراض و عمل مستقلانه، علیه همه دستجات و باندها و مافیاهای در قدرت، مغلوب یا معضوب، جلو صحنه یا پشت صحنه، به میدان آمده اند!

کمپین کمک رسانی مستقلانه و متحدانه مردمی به زلزله زدگان غرب ایران، که سراسر ایران را پوشش داد، علاوه بر تلاش عملی برای نجات قربانیان و بازماندگان، در عین حال و در دل آن یک تحرک سیاسی و میلیونی همبسته مردمی در مقابل حاکمیت بود! این سند اعلام رسمی و با صدای رسا جامعه دال بر عدم مشروعیت دستجمعی شان بود! فی الحال دفتر حسابرسی مردمی، همه مرزهای نظامی، ایدئولوژیکی، مذهبی، و سیاسی نظام را شکسته است! رسیدگی به شکایات میلیونی از هر یک ریالی که از سفره محرومین زدند و خرج تحركات نظامی در لبنان و عراق و سوریه، خرج "تسهيلات کربلا در عراق و حرم در سوریه" کردند، روی میز شهروندان در سراسر ایران است. ... ←

مرکب بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

۱۶ آذر ...

سنگری باشد تا بار دیگر از آن به نمایندگی مردم در سراسر ایران، نه به جنگ و جنایت در کل منطقه و دخالت ایران در آن، نه به تفرقه و تقسیمات قومی و مذهبی، نه به زن ستیزی و کودک آزاری، و در یک کلام نه به وضع موجود، اعلام شود!

امروز دامنه فقر و بیکاری، دامنه دزدی و چپاول و فساد مالی، دامنه استثمار و قساوت و بیرحمی بورژوازی حاکم و دولت آن به جایی رسیده که حتی خودی هایشان نیز به حرف آمده اند. امروز روسای قبلی و نمایندگان بالای جمهوری اسلامی که از مسند قدرت کنار گذاشته شده اند، هشدار میدهند و نگرانی خود را از خیزش محرومین و طغیان میلیونی آنها و خطرات آن

برای حاکمین اعلام میکنند و تلاش دارند پرونده ای سفید برای آینده خود درست کنند. امروز دامنه فقر و بی حقوقی اکثریتی بزرگ از مردم و فاصله عمیق طبقاتی آنها با صفی از مالتی میلیاردرها و صاحبان سرمایه که دهها برابر دو سه دهه قبل دارایی جمع کرده اند، چنان زمخت و زشت و عریان است، که حاکمیت را نگران خطر طغیان و عروج آتشفشان خشم محرومین، علیه وضع موجود کرده است. این واقعیت که مردم ایران و خصوصاً طبقه کارگر و محرومین "کارد به استخوانشان رسیده" و صدای اعتراض و نفرت آنها همه جا از محل کار و صف بیکاران تا مراکز تحصیلی شنیده میشود، را دیگر نمیتوان زیر تبلیغات و وعده های "گشایش اقتصادی" مخفی کرد.

جمهوری اسلامی، آخرین کارتهای بازی خود برای فریب مردم ایران را بکار برده است. امروز جمهوری اسلامی و روسای آن، روشنفکران بورژوا و شاعر و نویسندگان مجیز گوی آنها، وکلا و مبلغین آنها از مجلس تا دانشگاه، از مساجد تا همه رسانه های آنها، تلاش میکنند با اتکا به سلاح زنگ زده "وطن پرستی" و "ایرانیت"، با "به رخ کشیدن" نقش جمهوری اسلامی در خاورمیانه و دخالتهای آنها به نام "عظمت" ایران، ما را ساکت نگاه دارند و به خدمت خود بگیرند! تلاش میکنند به بهانه "منافع ملی" و "دفاع از وطن"، جایی که برای دهها میلیون کارگر و زحمتکش جز اسارت و بردگی و فقر و استبداد ارمغانی نداشته است، "وطنی" که برای اکثریت

شهروندان اش حتی جای امنی برای زیست نیست، ما را تسلیم کنند. تلاش میکنند با سلاح "دفاع از وطن" و "خطر" حمله به آن از جانب دولتهای مرتجع از آمریکا تا اسرائیل و عربستان و خطر تبدیل شدن ایران به سوریه ای دیگر، پدیده ای که خود حاکمیت در ایران نیز یکی از اکتورهای فعال است، ما را از هر اقدام اعتراضی و انقلابی، از هر حق طلبی و خواست و مطالبه انسانی، بر حذر دارند. تا در این منجلاب جهانی و منطقه ای، در این باطلاق مسابقه خشونت و تهدید و جنگ طلبی، ما را به سکوت، آرامش و تسلیم بکشانند و غرق کنند!

دانشجویان آزادیخواه و کمونیست!

امروز بی اعتباری جمهوری

اسلامی و سران آن واقعیتی انکارناپذیر است. حتی در میان نورچشمی های شان کسی نیست که منکر بی حقوقی اکثریت مردم ایران باشد. روزنامه های رسمی و مقامات "بلند پایه" و مهره های اصلی جمهوری اسلامی، از آنهایی که در حصراند، تا کسانی که در لباس دفاع از "عدالت" چهره عوض کرده اند و تا بیت رهبری، همگی از اوضاع بد معیشت و فقر و محرومیت میگویند و اما همگی تلاش دارند ما را به صبر و شکیبایی دعوت کنند و وقت بخرند.

تردیدی نیست با ادامه حاکمیت اینها، آینده ای جز سیاهی و تباهی بیشتر، در چشم انداز نیست. مشکل توهم به حاکمیت نیست! مشکل پراکندگی صف ما محرومین، صف مدافعان آزادی، برابری، و ... ←

جمهوری اسلامی و ...

حسابرسی مردمی از: هر تسهیلاتی که به برگزاری "ایام اربعین حسینی"، پس از تحقق آرمان "شکوهمند" و تاریخی "فتح کربلا" اختصاص داده اند، از هر امکانی که به "حرم" در سوریه می فرستند، هر شهروندی که در لبنان و عراق و سوریه کشته و به

کشتن داده اند، سراسر جامعه را فراگرفته است.

ادامه این کیس و این پرونده ها، در نقطه ای که "بزرگان نظام" میخواهند، متوقف نمی شود! این یک کمپین انتخاباتی ریاست جمهوری نیست که بعد از کشاندن مردم به پای صندوق های رای، سوت پایان آن از بالا زده شود و همه را به انتظار دور دیگری از وعده و وعید

به خانه بفرستند! دیگر در سبد حاکمیت، از هر سه قوه، در سپاه و سازمان زندان ها و مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای فقها و .. عنصر "نجات دهنده" ای باقی نمانده است.

تخم مرغی که هنوز روی آب نیامده باشد و گندیدگی اش پنهان مانده باشد، باقی

نمانده است. همه "سران نظام" سعی میکنند خود را پشت دیگری و از انتظار پنهان کنند تا از "ترکش" حملات هم در "امان" بمانند! جایی که حتی اگر از تیرس رقیب امروز و یار دیروزشان در امان بمانند، از حسابرسی میلیونی مردمی که در این میان نه نظاره گران خاموش و بی طرف، که مدعیان و طلبکاران تاریخی

همه گی شان هستند و با هر جمله و کلمه از هریک شان، پرونده همه شان را، بی هیچ ملاحظه و محاسبه ای، رو میکنند، خلاصی ندارند.

تحولات و تقابل های مهمی در داخل ایران، نه فقط در صف هیئت حاکمه، که در تقابل پائین با بالا در راه است. باید به استقبال آن رفت!

نه قومی، نه مذهبی!

زنده باد هویت انسانی!

۱۶ آذر ...

صف ما آزادیخواهان، ما کمونیستها است. مشکل قدرت آنها، که در مقابل صف میلیونی ما ناچیز است، نیست! مشکل صف پراکنده ما است!

امروز هر کمونیستی در ایران، از دانشگاه تا محله، از محل کار تا محل زندگی، باید برای اتحاد، برای قانع کردن، برای افق دادن به این صف، و برای متحد کردن آن، در هر کجا و به هر شکل و در هر سطحی که میتواند، تلاش کند. جامعه ایران و نسل جوان آن، تشنه آزادی و رفاه و سعادت است. این بر دوش ما کمونیستها و آزادیخواهان است که این صف را متحد کنیم و این صف را به قدرت خود و به توانش برای بهبود، رفاه و امنیت و دنیای آزاد و برابر امیدوار، و متکی کنیم.

۱۶ آذر برای ما مناسبتی است که صدای این صف و قدرت و توان آنرا در دفاع از انسانی ترین و قابل دفاع ترین مطالبات نشان دهیم. ۱۶ آذر روز نه گفتن رسای ما به جنگ و جنایت در خاورمیانه، نه گفتن ما به فقر، بیکاری و محرومیت و استبداد، است. روز نه گفتن ما به نفرت پراکنی های و جنگهای قومی، ملی و مذهبی، است. ۱۶ آذر

امسال میتواند روز اعلام برابری و همسرنوشتی همه کارگران، همه محرومان در سراسر خاورمیانه و کل

جهان، باشد! روز اعلام برابری همه مستقل از جنسیت و جغرافیای محل تولد و زندگی، مستقل از زبان و فرهنگ و نژاد و اعتقادات مذهبی و پیشینه ملی، و روز دفاع از هویت انسانی همه مردم در سراسر ایران باشد!

مردم آزادیخواه ایران، طبقه کارگر و میلیونها انسان شرافتمند شایسته دنیای بهترند و این دنیا با دخالت ما و با اتحاد این صف ممکن است. جامعه باید در ۱۶ آذر صدای این صف را بشنود. این صدا و آرزوهای این صف در اعماق جامعه ریشه دوانده است. این صدا، صدای آزادیخواهی، صدای عدالتخواهی طبقه کارگر، صدای زنان و مردان برابری طلب و صدای صدها هزار زن و مرد، پیرو جوان و دهها هزار کودک زلزله زده و آواره، و ناجیان و حامیان میلیونی شان در سراسر ایران، است. این صدا توسط ما و از بلندگوی دانشگاه در ۱۶ آذر باید شنیده شود.

نباید اجازه داد روسای حاکمیت و نمایندگان دولت و ولی فقیه به عنوان مسببین وضع موجود، جسارت کنند و بلندگوی دانشگاه را در روز ۱۶ آذر در دست بگیرند و به رجزخوانی در توجیه لجنزاری که به نام زندگی به اکثریت بزرگ مردم ایران

تحمیل کرده اند، پردازند. رفقا!

۱۶ آذر میتواند رنگ عدالتخواهی و افق انسانی را بر خود داشته باشد. در مقابل هویت تراشی های کاذب قومی و ملی و مذهبی، که از بالا و پایین، توسط ارتجاع حاکم و ارتجاع در اپوزیسیون به جامعه پمپاژ میشود، میتوان مهر هویت انسانی و برابر شهروندان جامعه، از شمال تا جنوب، از شرق تا غرب کشور، را بر پیشانی جامعه کوید!

رفقا! این مهم به اتحاد و کاردانی، به هوشیاری و به کار اجتماعی و کمونیستی تا کنونی و به توان بسیج و اتوریته و نیروی پشت سر شما بستگی دارد. جامعه چشم امید به دانشگاه دوخته است! این امید، در جواب شما به نیازهای مبرم شرایط موجود، تحقق خواهد یافت. باید ورق را برگرداند، باید دانشگاهها را دوباره فتح کرد!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

دهم آذر ۱۳۹۶ - اول دسامبر ۲۰۱۷

نشریه حکمت

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

مبارزه ما برای برابری و رفع تبعیض در متن جوامع سرمایه داری موجود جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به صف مقدم هر مبارزه اجتماعی علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق دارد و معتقد است که برابری حقوقی همه و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت و غیره باید بعنوان یک اصل تخطی ناپذیر و محوری در صدر قوانین جامعه اعلام شود.

زنده باد انقلاب کارگری!